

## بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه بر اساس

### جنسیت و پایه تحصیلی

فریده حمیدی\*، حسین صداقت\*\*

**چکیده:** هدف این تحقیق بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر کرمان به تفکیک جنسیت و پایه تحصیلی بوده است. بدین منظور ۵۳۷ دانش‌آموز دوره متوسطه از شهر کرمان (۲۹۹ پسر و ۲۳۸ دختر) به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند تا به پرسشنامه هوش معنوی ۲۴ سوالی SISRI (کینگ، ۲۰۰۸) که دارای چهار خرده مقیاس تفکر انتقادی وجودی (CET)، تولید معنای شخصی (PMP)، آگاهی متعالی (ماورایی) (TA) و توسعه حالت هوشیاری (CSE) بود، پاسخ دهند. اعتبار و پایایی پرسشنامه به روش تنصیف و آلفای کرانباخ به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۷ به دست آمد. نتایج با توجه به مقادیر به دست آمده از آزمون  $\chi^2$  نشان داد که هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه شرکت کننده در آزمون به تفکیک جنسیت، تفاوت معنی‌داری ندارد ( $p \geq 0/05$ ). همچنین تفاوت میانگین‌ها در پایه‌های مختلف تحصیلی نیز علیرغم رشد صعودی نمرات در پایه‌های بالاتر تحصیلی، معنادار نبود.

**کلید واژگان:** پایه تحصیلی، جنسیت، دانش‌آموزان دوره متوسطه، هوش معنوی.

### مقدمه

اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت و مذهب، به‌ویژه هوش معنوی، از جهات مختلف در عصر جدید احساس می‌شود. یکی از این ضرورت‌ها در عرصه انسان‌شناسی، توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان، به‌ویژه کارشناسان سازمان جهانی بهداشت است که به تازگی انسان را موجودی زیستی،

fhamidi@srutu.edu

hossein.2469@yahoo.com

\* استادیار رشته روانشناسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

\*\* دانشجوی دوره کارشناسی، دانشگاه آزاد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۷/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۳/۲۲

روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می‌کنند (هافدان ماهلر، سازمان بهداشت جهانی)<sup>۱</sup>. ضرورت دیگر طرح این موضوع ظهور دوباره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه، همچنین گستره معنویت و مذهب در همه زوایای زندگی انسان و نیز لزوم ارزیابی مجدد نقش مذهب در بهداشت روانی است. پژوهش درباره معنویت امروزه در رشته‌های متنوعی از قبیل پزشکی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، عصب‌شناسی و علوم‌شناختی در حال پیشرفت است. در راستای این جهت‌گیری معنوی و به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و دیگر مؤلفه‌های روان‌شناختی، هوش معنوی مطرح شده است.

گاردنر<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف نقد و بررسی کرد و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشید. به نظر گاردنر (۱۹۸۳) عملیات ذهن در نظام نمادی مانند زبان با عملیات نمادی در موسیقی، حرکات بیانی، ریاضی و تصاویر تفاوت دارد. گاردنر (۱۹۸۳) با این اعتقاد که استدلال، هوش، منطق و دانش معنای یکسان ندارند، دیدگاهی نو از هوش ارائه کرد. او مفهوم هوش را گذشته از توانایی کلامی و ریاضی به استعداد موسیقی<sup>۳</sup>، هوش فضایی<sup>۴</sup>، هوش زبانی<sup>۵</sup>، هوش منطقی - ریاضی<sup>۶</sup>، هوش بدنی - جنبشی<sup>۷</sup>، هوش درون‌فردی<sup>۸</sup>، هوش میان‌فردی<sup>۹</sup> گسترش داد.

گاردنر (۱۹۸۳) هوش را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:

الف) مجموعه‌ای از مهارت‌هایی که فرد را قادر می‌سازد تا وقتی که در زندگی با مشکلات واقعی مواجه می‌شود، آن‌ها را حل کند.

ب) توانایی ایجاد محصول مؤثر، یا ارائه یک فرصتی که در فرهنگی ارزشمند باشد.

ج) توانایی درک یا ایجاد ضرورت علمی جدید.

1. Halfdan Mahler, WHO Director-general: "Health is a state of complete physical, mental and social well-being and not merely the absence of disease or infirmity" in WHOQOL SRPB Group (in press).

2. Gardener, H.

3. musical

4. spatial

5. linguistic

6. logical-mathematical

7. bodily-kinesthetic

8. intrapersonal

9. interpersonal

بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه ۷۷

گاردنر (۲۰۰۲) بعدها مقوله‌های هوش طبیعت‌گرا<sup>۱۰</sup>، یعنی هوش معنوی و هوش هستی‌گرا یا هوش وجودی<sup>۱۱</sup> را مطرح کرد که می‌توان از آن به‌عنوان یک جنبه از هوش معنوی یاد کرد [۵].

تعاریف متعددی تاکنون از هوش معنوی به‌عنوان یکی از انواع هوش چندگانه<sup>۱۲</sup> مطرح شده است. امونز<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۰) تلاش کرد معنویت را بر اساس تعریف گاردنر از هوش مطرح کند. وی معتقد است معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا عملکرد و سازگاری فرد به‌طور مثال سلامتی بیشتر را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازند و به اهدافشان دسترسی داشته باشند.

هوش معنوی به ما اجازه کامل‌کردن قسمت‌های میان فردی و درون‌فردی را برای پیشه‌گرفتن از فاصله مابین خویش و دیگران را می‌دهد و می‌تواند به‌وسیله راه‌های مختلفی افزایش یابد، زهر و مارشال<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۰). هوشی که برای حل مسئله‌های مفهومی و با ارزش به‌کار گرفته می‌شود، بر طبق گفته مارشال هوشبهر IQ حدودی عاقلانه - منطقی است. هوش هیجانی EQ نیز شراکتی است و دارای الگوهای ضبطی از پیش تعیین شده و افکار عاطفی فراوان است. هوش معنوی در مورد خلاقیت‌ها - بینش آفرینی - ساختن قانون، شکستن قوانین و افکار قابل تغییر است برعکس IQ که خطی منطقی و عاقلانه است، SQ نمی‌تواند محدود کننده باشد.

از طرف دیگر هوش معنوی چیزی است که برای پیشرفت اشتیاق و آرزوهایمان همچنین ظرفیت معنایی، بینشی و ارزش خود، از آن استفاده می‌کنیم. SQ گفتگو مابین عقل و احساس را آسان می‌کند (همان).

هوش معنوی در مورد علم مدیریت خود و مسئولیت در مقابل خویشتن است. همچنین در مورد توانایی تشخیص چیزهایی که می‌توانیم انجام دهیم یا راه‌هایی که می‌توان مشکلات را از طریق آن حل کرد، بحث می‌کند، وگان<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۳).

خصوصیات معنویت از دیدگاه وگان شامل موارد ذیل است:

10 .naturalistic

11 .existential intelligence

12 .multiple intelligence

13 .Emmons,R.A.

14 . Zohar & Marshall .

15 .Vaughan,F.

۱. بالاترین سطح رشد در زمینه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را در بر می‌گیرد.

۲. یکی از ساحت‌های تحولی و رشد به‌صورتی مجزا از سایر ابعاد وجودی انسان است.

۳. بیشتر به‌عنوان نگرش مطرح است (مانند گشودگی نسبت به عشق).

۴. شامل تجربه‌های اوج می‌شود.

از این رو، معنویت از این دیدگاه عبارت است از: ارتباط با وجود باری تعالی، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ و خم‌های زندگی و تنظیم زندگی شخصی بر مبنای ارتباط با وجود باری تعالی و درک حضور دائمی وجود خداوند در هستی معنادار، سازمان‌یافته و جهت‌دار الوهی. این بعد وجودی انسان فطری و ذاتی است و با توجه به رشد و بالندگی انسان و در نتیجه انجام تمرینات و مناسک دینی متحول شده و ارتقا می‌یابد، نازل<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۴).

نوبل<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۱) و وگان (۲۰۰۳) معتقدند مؤلفه‌های هشت‌گانه‌ای که نشان‌دهنده هوش معنوی رشد یافته هستند عبارتند از: درستی و صراحت، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاومت و پایداری و تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران، نازل (۲۰۰۴).

مک مولن<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۳) نیز معتقد است ارزش‌هایی مانند شجاعت، یکپارچگی، شهود و دلسوزی از مؤلفه‌های هوش معنوی هستند. همچنین وی معتقد است بین بصیرت و هوش معنوی رابطه وجود دارد و در مقابل، استرس ضد شهود است. وی یکی از راه‌های افزایش بصیرت را توجه آرامش‌بخش عنوان می‌کند. از نظر مولن نگرانی، تلاش فزاینده و نافرجامی است که به‌دلیل تأخیر در تصمیم‌گیری روی می‌دهد.

سانتوس<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۶) معتقد است هوش معنوی در مورد ارتباط با آفریننده جهان است. وی این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی بر اساس این قوانین تعریف کرده است.

ادواردز<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۳) معتقد است داشتن هوش معنوی بالا با داشتن اطلاعاتی در مورد هوش معنوی متفاوت است. این تمایز فاصله میان دانش عملی و دانش نظری را مطرح می‌کند. از این رو، نباید داشتن

16 .Nasel,D.D.

17 .Noble,K.D.

18 . McMullen , B.

19 . Santos , E.S.

20 .Edwards,A.C.

بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه ۷۹

دانش وسیع در مورد مسائل معنوی را هم‌ردیف دستیابی به هوش معنوی از طریق عبادت و تعمق برای حل مسائل اخلاقی دانست؛ هر چند می‌توان گفت برای بهره‌مندی مؤثر از معنویت، داشتن توانمند دانش نظری و عملی لازم است.

کینگ<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۸) هوش معنوی را شامل توانایی‌های ذیل می‌داند (در پژوهش حاضر هوش معنوی با توجه به این دیدگاه بررسی شده است):

۱. تفکر انتقادی وجودی: ظرفیت انتقادی به ماهیت وجود، واقعیت، جهان، فضا، زمان، تأمل و سایر مسائل وجودی مانند وجود متافیزیکی؛ و نیز ظرفیت اندیشیدن به مسائل غیر وجودی در رابطه با وجود خود (به‌عنوان مثال، از دیدگاه اگزیستانسیالیستی).

۲. تولید معنای شخصی: توانایی استخراج معنی شخصی و هدف از تمام تجربیات فیزیکی و روانی، از جمله ظرفیت برای ایجاد و استناد هدف زندگی است.

۳. آگاهی متعالی: ظرفیت برای شناسایی ابعاد متعالی / الگوهای خود (به‌عنوان مثال، تعالی خود) یا دیگران، و از جهان (به‌عنوان مثال، جهان غیر مادی) فیزیکی در حالات طبیعی هشیاری، همراه با توانایی شناسایی رابطه خود با جسم است.

۴. توسعه حالت هوشیاری: توانایی ورود و خروج به سطوح بالاتری از آگاهی (مانند هشیاری کامل، آگاهی کیهانی، وحدت) و سایر حالات در اختیار خود فرد (همان‌گونه که در تفکر عمیق، مراقبه، نماز، و غیره ایجاد می‌شود).

هر چند که تحقیقات زیادی در حیطه رشد و تحول هوش معنوی صورت نگرفته است و نیازمند تحقیقات تجربی - کیفی است، ولی به‌نظر می‌رسد که استعداد این هوش در افراد مختلف، متفاوت است و مانند هوش فرهنگی و هوش هیجانی در اثر برخورد با محیط‌های غنی که سوالات معنوی را برمی‌انگیزاند، به‌تدریج تحول یافته و شکل می‌گیرد. در مورد اثر جنس در هوش هیجانی پژوهش‌هایی صورت گرفته است، به‌عنوان مثال کریک<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۰) برتری دختران در عوامل روابط بین فردی، و سازش نسبت به پسران را یافته است. کریکورین<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۲) در تحقیق خود به تأثیر جنس در هوش هیجانی دست یافته است. بار - ان و پارکر<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۰) نیز دختران را در روابط بین فردی، همدلی و مسئولیت‌پذیری قوی‌تر از

21 .King,D.

22 .Crick,A.T.

مردان یافتند. در ایران نیز حکیم جوادی و اژه‌ای (۱۳۸۳) در بررسی مقایسه‌ای خود بر روی دختران و پسران تیزهوش و عادی نشان دادند که دختران دارای هوش هیجانی بیشتری نسبت به پسران بودند. حمیدی (۱۳۸۶) در پژوهش بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی به تفکیک جنس نشان داده است که دختران در دوازده مؤلفه حل مسئله، خوشبختی، استقلال، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خوش‌بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، مسئولیت‌پذیری، همدلی و هوش هیجانی عملکردی بهتر از پسران دارند. در مورد اثر جنسیت بر هوش معنوی یانگ<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۶) در تایوان و انگ و ماوب<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۶) در کشور چین، سالی ماگزیمو<sup>۲۵</sup> (چاپ نشده) در آمریکا تفاوت معنی‌داری را در هوش معنوی آزمودنی‌ها با توجه به گروه‌های سنی، جنس، نوع مذهب مورد بررسی، شغل، تأهل و مجرد نیافته‌اند. در ایران نیز پژوهش باقری و همکاران (۲۰۱۰) و بدیع و همکاران (۱۳۸۷) نتایج مشابهی را درباره هوش معنوی با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دموگرافیک گزارش کرده‌اند.

کارل گوستاو یونگ<sup>۲۶</sup> (۱۹۳۸) معتقد است که در بسیاری از افراد پس از ۳۵ سالگی تغییرات عمده‌ای در ناخودآگاه صورت می‌گیرد که ممکن است در روند معنویت و هوش معنوی تأثیرگذار باشند. همچنین بعضی از محققان، از جمله یونگ، معتقدند که در زنان این تحول متفاوت از مردان صورت می‌گیرد، بوئر<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۶). از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسئله است که آیا اساساً هوش معنوی با توجه به ویژگی‌های جنسیت و پایه تحصیلی دانش‌آموزان، تفاوت معنی‌داری دارد؟ آیا تحول این نوع از هوش در دختران متفاوت از پسران صورت می‌پذیرد؟ آیا با توجه به افزایش سن و یا افزایش سطوح تحصیلی، افراد هوش معنوی بالاتری دارند؟ به عبارت دیگر، آیا تفاوت معنی‌داری بین دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی دوره متوسطه در میزان هوش معنوی آنان مشاهده می‌شود؟

23 . Yan Yang, Ke-Ping

24 . Ping Xiu-Ying Maob

25 . Sally Itliong Maximo (2007). The Constructs of spiritual Intelligence, its correlates with stress Management and Variation Across Selected Variables.

26 . Carl Gustav Jung

27 . Boeree, C.G.

بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه ۸۱

## روش شناسی:

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های پیمایشی و علمی - مقایسه‌ای<sup>۲۸</sup> است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان متوسطه پایه اول تا پیش‌دانشگاهی شهر کرمان بوده است که از این تعداد ۵۳۷ دانش‌آموز (۲۹۹ پسر و ۲۳۸ دختر) به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.

ابزار پژوهش، پرسشنامه هوش معنوی ۲۴ سؤالی SISRI (کینگ، ۲۰۰۸) بود که شامل ۲۴ گویه است. این گویه‌ها در روایی سازه به روش تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۲۹</sup>، به چهار خرده‌مقیاس زیر تقسیم شده‌اند:

تفکر انتقادی وجودی (CET)<sup>۳۰</sup>  $\alpha=0.78$ <sup>۳۱</sup>، تولید معنای شخصی (PMP)<sup>۳۲</sup>  $\alpha=0.78$ ، آگاهی متعالی (ماورایی) (TA)<sup>۳۳</sup>  $\alpha=0.87$  و توسعه حالت هوشیاری (CSE)<sup>۳۴</sup>  $\alpha=0.91$ . اعتبار کل آزمون با روش آلفای کرانباخ ۰.۹۲ به دست آمده است، کینگ (۲۰۰۸). اعتبار بازآیی آزمون<sup>۳۵</sup> ۰.۸۹ و اعتبار آزمون به روش دو نیمه کردن<sup>۳۶</sup> نیز ۰.۹۱ به دست آمده است.

همچنین در پژوهش حاضر، اعتبار و پایایی آزمون به روش تصنیف و آلفای کرانباخ به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۷ محاسبه شد.

## نتایج

به منظور بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی به تفکیک جنسیت، از آزمون  $t$  برای مقایسه میانگین‌های مستقل استفاده شده است. جدول (۱) نتایج حاصل از آزمون را نشان می‌دهد.

**فرضیه اول: تفاوت معناداری بین هوش معنوی آزمودنی‌ها با توجه به جنسیت وجود دارد.**

28 .causal comparative study

29 . Exploratory Factor Analysis

30 . Critical Existential Thinking

31 . Cronbach's alpha

32 . Personal Meaning Production

33 . Transcendental Awareness

34 . Conscious State Expansion

35 . Test-Retest Reliability

36 . Split-Half Reliability

جدول ۱. نتایج آزمون t برای مقایسه هوش معنوی آزمودنی‌ها به تفکیک جنس

هوش معنوی و خرده مقیاس‌ها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجات آزادی	t	سطح معناداری دو دامنه																																												
تفکر انتقادی به وجود (GET)	دختران	۳۸	۱۸.۳۶۹	۴۶۰۳	۵۳۷	۰.۹۶۹	۰.۳۳۳																																												
	پسران	۲۹۹	۱۷.۹۹۰	۴.۴۳۷				تولید معنای شخصی (PMP)	دختران	۲۳۸	۱۸.۶۹۷	۴۶۳۹	۵۳۷	۰.۰۴۰	۰.۹۶۸	پسران	۲۹۹	۱۸.۶۸۲	۴.۱۶۷	آگاهی (هاورایی) (TA)	دختران	۲۳۸	۱۲.۸۵۷	۳.۸۲۰	۵۳۷	-۰.۸۵۸	۰.۳۹۱	پسران	۲۹۹	۱۳.۱۳۰	۳.۵۴۰	توسعه هوشیاری (CSE)	دختران	۲۳۸	۱۲.۲۱۸	۳.۸۹۵	۵۳۷	-۱.۰۹۷	۰.۲۷۳	پسران	۲۹۹	۱۲.۵۷۸	۳.۶۸۶	هوش معنوی SQ	دختران	۲۳۸	۶۲.۱۴۲	۱۴.۵۳۶	۵۳۷	-۰.۱۹۸	۰.۸۴۳
تولید معنای شخصی (PMP)	دختران	۲۳۸	۱۸.۶۹۷	۴۶۳۹	۵۳۷	۰.۰۴۰	۰.۹۶۸																																												
	پسران	۲۹۹	۱۸.۶۸۲	۴.۱۶۷				آگاهی (هاورایی) (TA)	دختران	۲۳۸	۱۲.۸۵۷	۳.۸۲۰	۵۳۷	-۰.۸۵۸	۰.۳۹۱	پسران	۲۹۹	۱۳.۱۳۰	۳.۵۴۰	توسعه هوشیاری (CSE)	دختران	۲۳۸	۱۲.۲۱۸	۳.۸۹۵	۵۳۷	-۱.۰۹۷	۰.۲۷۳	پسران	۲۹۹	۱۲.۵۷۸	۳.۶۸۶	هوش معنوی SQ	دختران	۲۳۸	۶۲.۱۴۲	۱۴.۵۳۶	۵۳۷	-۰.۱۹۸	۰.۸۴۳	پسران	۲۹۹	۶۲.۳۸۱	۱۳.۲۴۵								
آگاهی (هاورایی) (TA)	دختران	۲۳۸	۱۲.۸۵۷	۳.۸۲۰	۵۳۷	-۰.۸۵۸	۰.۳۹۱																																												
	پسران	۲۹۹	۱۳.۱۳۰	۳.۵۴۰				توسعه هوشیاری (CSE)	دختران	۲۳۸	۱۲.۲۱۸	۳.۸۹۵	۵۳۷	-۱.۰۹۷	۰.۲۷۳	پسران	۲۹۹	۱۲.۵۷۸	۳.۶۸۶	هوش معنوی SQ	دختران	۲۳۸	۶۲.۱۴۲	۱۴.۵۳۶	۵۳۷	-۰.۱۹۸	۰.۸۴۳	پسران	۲۹۹	۶۲.۳۸۱	۱۳.۲۴۵																				
توسعه هوشیاری (CSE)	دختران	۲۳۸	۱۲.۲۱۸	۳.۸۹۵	۵۳۷	-۱.۰۹۷	۰.۲۷۳																																												
	پسران	۲۹۹	۱۲.۵۷۸	۳.۶۸۶				هوش معنوی SQ	دختران	۲۳۸	۶۲.۱۴۲	۱۴.۵۳۶	۵۳۷	-۰.۱۹۸	۰.۸۴۳	پسران	۲۹۹	۶۲.۳۸۱	۱۳.۲۴۵																																
هوش معنوی SQ	دختران	۲۳۸	۶۲.۱۴۲	۱۴.۵۳۶	۵۳۷	-۰.۱۹۸	۰.۸۴۳																																												
	پسران	۲۹۹	۶۲.۳۸۱	۱۳.۲۴۵																																															

با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده در جدول فوق، میانگین هوش معنوی و سایر مؤلفه‌های آن در آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت، تفاوت معنی‌داری را نشان نداده است ( $df = 535$ ,  $sig = 0.843$ ). و این مقدار از سطح معناداری یعنی  $0.05$  بیشتر است ( $p \geq 0.05$ )، در مورد سایر مؤلفه‌های آزمون نیز تفاوت معنی‌داری در میانگین نمرات مشاهده نشده است. از این رو فرض صفر با  $95\%$  اطمینان تأیید می‌شود، به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین هوش معنوی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شرکت‌کننده در آزمون، با توجه به جنسیت آنان وجود ندارد.

فرضیه دوم: تفاوت معناداری بین هوش معنوی آزمودنی‌ها با توجه به پایه تحصیلی آن‌ها

وجود دارد.



بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه ۸۳

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار مقیاس هوش معنوی و مؤلفه‌های آن برای آزمودنی‌های پایه‌های

مختلف تحصیلی

پایه تحصیلی	تفکر انتقادی به وجود (CET)	تولید معنای شخصی (PMP)	آگاهی متعالی (ماورایی) (TA)	توسعه حالت هوشیاری (CSE)	هوش معنوی SQ
اول متوسطه	میانگین	۱۲.۷۸۳	۱۸.۸۹۷	۱۲.۳۳۵	۶۲.۲۲۱
	تعداد	۱۸۵	۱۸۵	۱۸۵	۱۸۵
	انحراف معیار	۳.۷۱۳	۴.۵۶۱	۳.۹۲۱	۱۴.۲۶۰
دوم	میانگین	۱۳.۳۸۹	۱۸.۷۴۳	۱۲.۳۷۴	۶۲.۷۵۹
	تعداد	۱۹۵	۱۹۵	۱۹۵	۱۹۵
	انحراف معیار	۳.۴۷۱	۴.۰۰۲	۳.۶۲۵	۱۲.۶۱۵
سوم	میانگین	۱۲.۳۹۰	۱۷.۵۳۱	۱۲.۴۰۶	۵۹.۸۷۵
	تعداد	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴
	انحراف معیار	۴.۰۰۲	۵.۱۸۸	۴.۱۵۴	۱۵.۸۲۰
پیش دانشگاهی	میانگین	۱۳.۰۸۶	۱۸.۹۵۷	۱۲.۶۸۸	۶۳.۰۲۱
	تعداد	۹۳	۹۳	۹۳	۹۳
	انحراف معیار	۳.۶۹۶	۴.۰۹۹	۳.۵۹۳	۱۳.۷۱۹
کل	میانگین	۱۳.۰۰۹	۱۸.۶۸۹	۱۲.۴۱۹	۶۲.۲۷۵
	تعداد	۵۳۷	۵۳۷	۵۳۷	۵۳۷
	انحراف معیار	۳.۶۶۶	۴.۳۷۹	۳.۷۸۱	۱۳.۸۱۹

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، میانگین کل نمرات هوش معنوی آزمودنی‌ها به

ترتیب از سال اول متوسطه تا پیش‌دانشگاهی عبارتند از: ۶۳.۰۲۱، ۵۹.۸۷۵، ۶۲.۷۵۹، ۶۲.۲۲۱

است و تقریباً به جز سال سوم متوسطه، میانگین نمرات هوش معنوی سیر صعودی داشته است. اما به

منظور بررسی معنی‌داری نتایج حاصل از تفاوت میانگین‌های نمرات آزمون و خرده مقیاس‌های آن در

پایه‌های مختلف تحصیلی، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول

(۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه برای مقایسه هوش معنوی آزمودنی‌ها و مؤلفه‌های آن به تفکیک پایه تحصیلی

سطح معنی‌داری دو دامنه	F	میانگین مجزورات	درجات آزادی	مجموع مجزورات	
۰.۳۳۳	۰.۹۳۹	۱۹.۱۱۴	۱	۱۹.۱۱۴	بین گروهی
		۲۰.۳۵۲	۵۳۵	۱۰۸۸۱.۴۳۲	درون گروهی
			۵۳۶	۱۰۹۰۷.۵۴۶	کل
					تفکر انتقادی به وجود CET
۰.۳۹۱	۰.۷۳۶	۹.۸۹۸	۱	۹.۸۹۸	بین گروهی
		۱۳.۴۴۹	۵۳۵	۷۱۹۵.۰۵۶	درون گروهی
			۵۳۶	۷۲۰۴.۹۵۳	کل
					تولید معنای شخصی PMP
۰.۹۶۵	۰.۰۰۰۲	۰.۰۳۱	۱	۰.۳۱	بین گروهی
		۱۹.۲۱۳	۵۳۵	۱۰۲۷۹.۰۳۵	درون گروهی
			۵۳۶	۱۰۲۷۹.۰۶۵	کل
					آگاهی متعالی TA
۰.۲۷۳	۱.۲۰۲	۱۷.۱۸۵	۱	۱۷.۱۸۵	بین گروهی
		۱۴.۲۹۱	۵۳۵	۷۶۴۵.۵۴۲	درون گروهی
			۵۳۶	۷۶۶۲.۷۲۶	کل
					توسعه حالت هوشیاری CSE
۰.۸۴۳	۰.۳۹	۷.۵۳۲	۱	۷.۵۳۲	بین گروهی
		۱۹۱.۳۳۴	۵۳۵	۱۰۲۳۶۳.۶۷۸	درون گروهی
			۵۳۶	۱۰۲۳۷۱.۲۱۰	کل
					هوش معنوی SQ

بر اساس نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه فوق، تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در بین آزمودنی‌ها در پایه‌های مختلف تحصیلی مشاهده نمی‌شود، (۰/۰۵ > p). از این رو، فرض صفر با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌شود، به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه شرکت‌کننده در آزمون، با توجه به پایه‌های تحصیلی آنان وجود ندارد.

### نتیجه

تحقیق حاضر به مقایسه هوش معنوی با توجه به دو ویژگی جمعیت‌شناختی جنسیت و پایه‌های مختلف تحصیلی (سن و تحصیلات) پرداخته است. نتایج به‌دست آمده از آزمون t برای مقایسه میانگین‌های

بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه ۸۵

هوش معنوی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، نشان داد که جنسیت تأثیر معنی‌داری بر هوش معنوی دانش‌آموزان ندارد. همچنین تفاوت میانگین هوش معنوی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف دوره متوسطه (اول متوسطه تا پیش‌دانشگاهی)، علیرغم افزایش نمرات کلی هوش معنوی و نمرات خرده‌مقیاس‌های آزمون، با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه، معنی‌دار نبود. این یافته‌ها با پژوهش یانگ (۲۰۰۶) در تایوان و انگ و ماوب (۲۰۰۶) در کشور چین همخوانی دارد. آنان در پژوهش‌های خود، هوش معنوی پرستاران را با توجه به سن، باورهای مذهبی، و سابقه کارشان بررسی کردند ولی نتایج با توجه به ویژگی‌های دموگرافیک آزمودنی‌ها معنی‌دار نبود. سالی ماگزیمو (چاپ نشده)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "ساختار هوش معنوی، همبستگی آن با مدیریت استرس و تأثیر آن با برخی متغیرها"، که با استفاده از پرسشنامه شاخص‌های هوش معنوی<sup>۳۷</sup>، بر روی ۲۲۲ کارمند دانشگاه سنت لوئیس<sup>۳۸</sup> و شهروندان شهر باقیو<sup>۳۹</sup> انجام داد، تفاوت معنی‌داری را در هوش معنوی آزمودنی‌ها با توجه به گروه‌های سنی (بالای ۴۰ و پایین‌تر)، نوع مذهب مورد بررسی (مسیحی کاتولیک و غیر کاتولیک)، شغل (عضو هیئت علمی و کارمندان اجرایی و اداری)، تأهل و مجرد نیافته است. همچنین درباره جنسیت نیز اذعان کرده است که علیرغم بالاتر بودن هوش معنوی زنان نسبت به مردان، تفاوت‌ها معنی‌دار نبوده است.

در ایران نیز پژوهش باقری و همکاران (۲۰۱۰) که به بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی ۱۲۵ پرستار در دو بیمارستان شهر بوشهر پرداخته است، نشان می‌دهد که میانگین هوش معنوی پرستاران به تفکیک جنس، سن، سوابق شغلی، میزان تحصیلات و موقعیت آن‌ها، معنی‌دار نیست. همچنین بدیع و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان "هوش معنوی و رابطه آن با جایگاه مهار درونی" نیز تفاوت معنی‌داری را در میزان هوش معنوی زنان و مردان به دست نیاورده است. لازم به ذکر است هیچکدام از پژوهشگران مذکور از آزمون واحدی درباره ارزیابی هوش معنوی استفاده نکرده بودند ولی نتایج مشابهی را درباره ویژگی‌های دموگرافیک گزارش کرده‌اند.

37 . The Spiritual Intelligence Indicators Inventory (SIII)

38 . Saint Louis University (SLU)

39 . Bagoiu City

از آنجا که هر یک از انواع مختلف هوش به میزان متفاوتی رشد می‌کند، بنابراین ممکن است در یک فرد یکی از آن‌ها رشد زیادی کند، ولی انواع دیگر هوش چندگانه، رشد چندانی نکرده باشند. زمانی که موضوعات هیجانی یا اخلاقی حل نشده باقی می‌ماند، از رشد معنوی جلوگیری می‌کند. بلوغ معنوی به‌عنوان یکی از جلوه‌های هوش معنوی، شامل درجه‌ای از بلوغ هیجانی و بلوغ اخلاقی<sup>۴۰</sup> (روحیه اخلاقی) و رفتار اخلاقی<sup>۴۱</sup> می‌شود و خردمندی و دلسوزی برای دیگران را صرف نظر از جنس، قومیت، سن یا نژاد در بر می‌گیرد. از این رو، می‌توان گفت بلوغ معنوی دید عمیق و گسترده‌ای است که با آگاهی همراه است و شامل ارتباط زندگی درونی ذهن با زندگی بیرونی می‌شود (وگان، ۲۰۰۲).

آمرام<sup>۴۲</sup> (۲۰۰۷) هوش معنوی را شامل: حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متقابل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا تعریف کرده است. به عبارت دیگر، این هوش بیشتر مربوط به پرسیدن است تا پاسخ دادن. فرد با ظرفیت هوش معنوی خود، سوالات بیشتری را در مورد خود، زندگی و جهان پیرامون خود مطرح می‌کند. همچنین قابل ذکر است که سوالات جدی در مورد اینکه از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نموده‌های هوش معنوی است. این مسئله همچون فطرت ذاتی است و در همه انسان‌ها، صرف نظر از جنسیت، رنگ، نژاد، مذهب، تحصیلات، تأهل و یا مجرد وجود دارد، همچنان‌که در آیه فطرت آمده است که:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَائِمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (آیه ۳۰ سوره روم).

روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین و آیین محکم و استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند (آیه ۳۰ سوره روم).

در نهایت هوش معنوی صرف نظر از تفاوت‌های فردی و جمعیت‌شناختی را می‌توان با تمرین‌های مختلف توجه، تغییر هیجانات، و تقویت‌کردن رفتارهای اخلاقی افزایش داد. یکی از بهترین راه‌های تقویت آن، آموزش علوم همراه با والایی‌ها و عظمت‌های راستین و نشان‌دادن افق‌های بلند است که

40. Moral

41. Ethical

42. Amram, Y.

بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه ۸۷

پرده محدودیت‌های فکری را می‌درد تا متریبان بتوانند آنچه را که دیدنی و شنیدنی است، ببینند و بشنود و آنگاه جهش و تحرکی در جهت رهایی از دایره بسته زندگی حیوانی بیابند و معنای هستی و حیات را دریابند.

## منابع

- [۱]. قرآن کریم، سوره‌های روم و نور.
- [۲]. بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری دشت بزرگ، نجمه؛ لطیفی زادگان، وحیده (۱۳۸۷). هوش معنوی و رابطه آن با جایگاه مهار، <http://psyche.blogfa.com/post-27.aspx>.
- [۳]. حکیم جوادی، منصور؛ ازهای، جواد (۱۳۸۳). "بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیز هوش و عادی"، *نشریه روانشناسی، سال ششم، شماره ۲ (۳۰)*، تابستان، صص ۱۵۸-۱۷۲.
- [۴]. حمیدی، فریده (۱۳۸۶). "رابطه هوش هیجانی با سبک‌های مقابله‌ای در نوجوانان دختر و پسر مناطق محروم"، *فصلنامه روانشناسی کاربردی، شماره ۵۴*، پاییز و زمستان، صص ۴۳۲-۴۴۴.
- [۵]. سهرابی، فرامرز (۱۳۸۸). "هوش معنوی، هوش انسانی". *فصلنامه روان‌شناسی نظامی، دوره اول، شماره اول*، صص ۶۳-۶۶.
- [۶]. غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶). "هوش معنوی". *فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره دهم، پاییز ۱۳۸۶*، صص ۱۴۷ - ۱۲۵.
- [۷]. Amram, Joseph (Yosi) (2005). *Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership*, Institute of Transpersonal Psychology.
- [۸]. Bagheri F, Akbarizadeh F, Hatami H.R. (2010). The relationship between nurses' spiritual intelligence and happiness in Iran. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5 (2010) 1556-1561, [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- [۹]. Bar - On, R. & Parker, J. (2000). *Handbook of Emotional Intelligence*. Jossey. Bass.
- Boeree, C.G (2006). CARL JUNG. <http://webpace.ship.edu/cgboer/jung.html>
- [۱۰]. Crick, A.T. (2002). Emotional Intelligence, Social Competence, and Success in high school students. Unpublished MSc.thesis, Western Kentucky University, Bowling Green.
- [۱۱]. Crick, A.T. (2002). Emotional Intelligence, Social Competence, and Success in high school students. Unpublished MSc.thesis, Western Kentucky University, Bowling Green.
- [۱۲]. Emmons, R.A. (2000b). Is Spirituality an Intelligence? Motivation, Cognition, and the Psychology of Ultimate Concern. *The International Journal of the Psychology of Religion*, 10(1), 3-26.

- [۱۳].Edwards, A.C.(2003).Response to the Spritual Intelligence debate:Are some Conceptual distinctions needed here? The International Journal for the Psychology of Religion,13(1),49-52.
- [۱۴].Gardner, H. (1983). Frames of Mind. New York: Basic Book Inc.
- [۱۵].Gardner,H.(1999).Intelligence Reframed: Multiple Intelligences for the New Millennium. New York: Basic Books. 10(1), 27-34.
- [۱۶].Gardner,H.(2002).New Horizons for Larning.USA: Settle.
- [۱۷].Jung, C. G. (1938) . Psychology and Religion. In collected works, Vol. 11 (2nd ed.) 1969, pp. 3-105. originally published in 1938. London: Routledge & Keganpaul.
- [۱۸].Kirkorian,M.(2002) . Emotional Intelligenc in relation to attachment type. Dissertation AbstractsInternational. 62 (11-B). 5380.
- [۱۹].King, D. B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure.Unpublished Master's Thesis, Trent University, Peterborough, Ontario.
- [۲۰].McMullen, B.(2003). Spiritual intelligence; www. Studentbmj.com.
- [۲۱].Nasel, D. D.(2004). Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality; Unpublished thesis. Australia: The university of south Australia.
- [۲۲].Noble,K.D.(2001).Riding the windhorse: Spiritual Intelligence and the growth of cthe self .New Jersey Hampton Press.
- [۲۳].Sally Itliong Maximo (2007). The Constructs of spiritual Intelligence, its correlates with stress Management and Variation Across Selected Variables.  
<http://dspace.slu.edu.ph/bitstream/123456789/44/1/>
- [۲۴].Santos, E, S. (2006). Spiritual intelligence; What is spiritual intelligence? How it benefits a person?, www. Skopun. Files. Wordpress.com.
- [۲۵].Vaughan, F. ( 2003). What is spiritual intelligence? Journal of humanistic psychology. 42, (2).
- [۲۶].Wigglesworth,C.(2004).,Spiritual intelligence and why it matters. www. Conscious pursuits.com.
- [۲۷].Yan Yang, Ke-Ping.(2006). The Spiritual Intelligence of Nurses in Taiwan, Journal of Nursing Research Vol. 14, No.1,p 24-35.
- [۲۸].Yang, Ke-Ping Xiu-Ying Maob, (2007). A Study of Nurses' Spiritual Intelligence: A Cross-sectional Questionnaire Survey, International Journal of Nursing Studies 44, 999-1010
- [۲۹].Zohar, D., Marshall, I.( 2000) . SQ : Connecting with our spiritual intelligence. New York : Bloomsbury,Publishing House.